

بررسی مفهومی مبانی عملیات انتحاری، استشهادی و تروریسم

حسین نیکوفر

چکیده

جنگ و ستیز؛ به دلیل میل به برتری جویی و رسیدن به منافع بیشتر با خلقت بشر زاده شده است. ناامنی موجب شده است تا انسان‌ها با تکرار و خطا سعی در قرار گرفتن در فرآیند مدنیت با وضع قوانین و تشکیل ساختارها و نظام‌های مختلف به سوی امنیت حرکت کنند. به مرور زمان جوامع بشری شاهد بروز پدیده‌های امنیتی و تهدیدزایی با اشکال، ابعاد و دارای وسعت‌های مختلفی هستند که سیستم‌های اطلاعاتی-امنیتی باید ضمن شناخت، با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های منسجم، هزینه‌های زیادی را برای مقابله با آنها بپردازند.

یکی از این پدیده‌ها، عملیات انتحاری است که اشخاص با نوع نگرش خاصی که القا و تبدیل به باور درونی آنها شده، به آن اقدام می‌کنند. وجود تروریسم بین‌المللی و در سوی دیگر عملیات استشهادی در اسلام حدود این نوع پدیده‌ها را، هم در حوزه مفاهیم و هم در حوزه مصادیق دچار خلط نموده است. نگاه نگارنده این نوشتار که با رویکرد مفهوم‌سازی می‌باشد این است که با توجه به داده‌های موجود و تبیین و رسیدن به نقطه کانونی این پدیده‌ها که در باورهای افراد عامل، استقرار یافته است در راستای تفکیک دقیق این مفاهیم، نوشتار حاضر را تدوین کند.

کلیدواژگان: امنیت، تروریسم، عملیات انتحاری، عملیات استشهادی، نقطه کانونی

(۱) مقدمه

رسیدن به امنیت و نبود تهدید، نقطه آرمانی تمام جوامع بشری است. محدودیت منابع و نیازهای بی‌حد و حصر به علاوه بُعد برتری جویی انسان‌ها موجب شده است تا این نقطه مطلوب تبدیل به یک رویای دست‌نیافتنی شود.

بالا رفتن سطح نیازمندی‌های بشر به میزانی فراتر از حد لزوم و توسعه وسایل تأمین آن نیازها به نسبتی که به خود نیازها افزوده شود خط سیری است که بسیاری از نویسندگان آن را به چشم شاه‌راه اساسی تمدن نگریستند، در حالی که چنین خط سیری در نظر افلاطون مایه افزایش منازعات است (بی‌فاستر، ۱۳۵۸: ۵-۸۴).

همین ایده است که متعاقباً در قالب فلسفه نوین سیاسی توسط «هابز» و «ماکیاولی» بازتعریف شده و در قالب اصل توانمندی در تحصیل منافع به عنوان راهنمای سیاست عملی شناسانده می‌شود.^۱ اصلی که به عنوان محور اصلی مکتب سیاست قدرت امروزه نیز مورد توجه است (مورگنتا، ۱۳۷۹).

ظهور پدیده‌های مختلف امنیتی و تهدیدزا در طول تاریخ نشان‌دهنده این امر است. به بیانی دیگر هر پدیده‌ای عموماً میل به بی‌ثباتی و عدم تعادل دارد و همه پدیده‌ها به نحوی تضاد خود را پرورش می‌دهند.

عواملی که موجب بی‌ثباتی و ناامنی در محیط می‌شوند حوزه‌های مختلف، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، اطلاعاتی - امنیتی، زیست محیط و... را شامل شده، بعضاً با درآمیختگی با هم موجب هم‌افزایی و به تبع دارای بار امنیتی بیشتری شده‌اند.

^۱ - توماس هابز، لویاتان، حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، نیکولو ماکیاولی، شهریار، داریوش آشوری، تهران، کتاب پرواز، ۱۳۶۶، هابز در کتاب خود «لویاتان» علل منازعه آدمیان را در سه کانون می‌داند: رقابت، ترس و افتخار که متوجه سه هدف ارزشمند «سود، امنیت و شهرت» می‌باشند - به همین دلیل است که «قدرت» را ارزشمند می‌خواند.

«سودجویان، زور و خشونت به کار می‌برند تا بر دیگران... سروری پیدا کنند - علت دوم کاربرد زور برای گروه معطوف به دفاع و حراست از دستاوردهاست و گروه سوم شهرت‌طلبان به خاطر چیزهای بی‌اهمیت... به تجاوز و تعدی متوسل می‌شوند» (لویاتان، ص ۱۵۸). ماکیاولی نیز در «شهریار» توصیه‌ای مشابه به پادشاه دارد که:

«به گمان من کسانی می‌توانند به خود تکیه کنند که چندان که باید مرد جنگی در سپاه یا زر در خزانه داشته باشند و چنان سپاهی توانند آراست که با هر دشمنی برآید» (شهریار، ص ۶۳).

یکی از این پدیده‌هایی که عمدتاً تهدید و ناامنی در ذات آن نهفته شده است دو پدیده ترور و عملیات انتحاری است.

تروریسم به مفهوم آدم‌کشی و تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای نیل به هدف‌های سیاسی و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت یا تفویض آن به گروه دیگری است که مورد نظر باشد... و در ادامه با مفهوم تروریسم دولتی که اصطلاحی است مشعر به دخالت یک یا چند دولت در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر مواجه می‌شویم که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا یا مشارکت در عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات نظامی به منظور زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری، صورت می‌گیرد (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۶۳).

پدیده دیگر، عملیات انتحاری است که برای از بین بردن دیگران و حذف فیزیکی افراد انجام می‌شود. در این عملیات خود شخص عملیات‌کننده هم از بین می‌رود.

حال سؤال این نوشتار این است که چه علت و یا عللی موجب می‌شود تا فرد برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده، ارزشمندترین دارایی خود؛ یعنی جان را برای رسیدن به آن فدا کند؟

و به نظر می‌رسد با منافع مادی نمی‌توان به آن نقطه کانونی دست یافت، مگر آنکه علت اساسی در لایه‌های درونی و باورهای افراد نهفته شده باشد. نوشتار حاضر با رویکرد مفهوم‌سازی سعی در تبیین این پدیده با پدیده‌های شبیه به خود با روش اسنادی دارد تا میزان درک حدود و ثغور مفاهیمی از این دست را در مخاطبان بالا ببرد.

(۲) ترور^۲

به دلیل استفاده زیاد از کلمه ترور و تروریسم و تعریف‌های لغوی آن در این مقاله سعی می‌شود با حداقل توصیف از این دو کلمه به اصل مقاله پرداخته شود.

تروریسم که از ریشه لاتین **terror** به معنای ترس و وحشت گرفته شده است، به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس، وحشت و به کار بستن زور می‌خواهند به هدف سیاسی خود برسند. همچنین، کارهای

^۲ - (terror)

خشونت‌آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوب مخالفان خود و ترساندن آنان نیز در ردیف تروریسم قرار دارد، که از آن به عنوان تروریسم دولتی یاد می‌شود (علی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۷۴).

گرچه امروز در نگاه افکار عمومی جهان به دلیل هجوم تبلیغاتی غربی‌ها به خصوص رسانه‌های وابسته به تفکر صهیونیستی و تکرار آن، ترور و تروریسم صرفاً به مسلمین نسبت داده می‌شود، اما در دین مبین اسلام ترور امری مذموم شمرده شده و آن را عملی غیر انسانی به حساب می‌آورد.

به شکلی از اقدام خشونت‌بار دولتی و یا غیر دولتی که با هدف دستیابی به یک منظور سیاسی صورت می‌گیرد، تروریسم گویند. تروریسم با انواع دیگر خشونت شباهتی ندارد. تروریسم تلاش دارد توجه بین‌المللی را به جانب یک بی‌عدالتی، خواه واقعی خواه خیالی، بکشانند. تروریست‌ها، شیوه‌های گوناگونی را به کار می‌گیرند که از جمله عبارتند از: هواپیماربایی، بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، ترور افراد، سرقت از بانک‌ها و خرابکاری (الیوت و رجینالد، ۱۳۷۴: ۲۶).

ترور در لغت، و در زبان فرانسه، به معنای هراس و هراس‌افکنی است. در سیاست نیز به کارهای خشونت‌آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنان ترور گویند؛ و نیز کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، ترور نامیده می‌شود. ترورگری، روش حکومت‌هایی است که با بازداشت و شکنجه و اعدام و انواع آزار غیر قانونی، از راه پلیس سیاسی مخفی، مخالفان را سرکوب می‌کنند (آشوری، ۱۳۶۶: ۹۸).

تروریسم به مفهوم آدم‌کشی و تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای نیل به هدف‌های سیاسی و یا بر انداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت یا تفویض آن به گروه دیگری است که مورد نظر باشد... تروریسم دولتی اصطلاحی است مشعر به دخالت یک یا چند دولت در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر، که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا یا مشارکت در عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات نظامی به منظور زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری، صورت می‌گیرد (علی‌بابایی، ۱۳۷۷: ۶۳).

در کتاب فرهنگ اصطلاحات معاصر، فتک به معنای، ترور کرد، کشت، از میان برد، و به قتل رسانده، آمده است. فتک؛ یعنی انسان در مکانی پنهان شود، سپس از مخفی گاه خارج گردد، و به کسی حمله آورد، و او را بی محابا و بدون ترس به قتل رساند؛ بنابراین در لسان امروزی عرب، ترور مصداق دقیق واژه فتک است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۵۸۴).

دین اسلام به معنای صلح و مسالمت، سازش و ایجاد صلح و الفت است (عمیدزنجانی، ۱۳۷۳: ۳۷۵). و در قرآن کریم واژه سلم و صلح در بیش از صد آیه آمده است، در حالی که واژه جنگ تنها در شش آیه تکرار شده است. پس چطور انسان عاقلی می تواند صد را به شش ترجیح دهد؟

شاید تمامی افرادی که دست به انتحار می زنند در فکرشان خود را فدای اسلام می نمایند، اما نتیجه اعمال آنان چیزی جز نکبت و بدبختی و تفرقه در میان مسلمین نیست و از این رهگذر هیچ ملت و دیانتی غیر از تفکر صهیونیستی نفعی نخواهد بود.

۳) عملیات استشهادی

عملیات استشهادی نیز همانند عملیات انتحاری، اهداف منطقی - راهبردی دارد و در شرایطی شکل می گیرد که تنها راه ممکن برای الزام دولت ها و تغییر سیاست ها آنها تصور شود، با این تفاوت اساسی که منطقه راهبردی عملیات استشهادی «مطلقاً ویژگی دفاعی» دارد و بدین سان، تابع دیدگاه عمومی شیعه در باب جهاد و جهاد دفاعی است.

منابع اهل سنت از وجوب «جهاد ابتدایی» سخن گفته اند و البته جزئیات فقهی و تبعات حقوقی آن را نیز از شافعی در رساله امّ تاکنون توضیح داده اند (شافعی، ۱۹۹۴، ج ۴: ۱۶۱). تعداد کمی از فقیهان معاصر اهل سنت از «ماهیت مطلقاً دفاعی جهاد» حمایت کرده اند. شیخ محمد عبده در تفسیر المنار چنین دیدگاهی دارد (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲: ۲۳، به نقل از: محمد عبده، تفسیر المنار، ج ۲: ۲۱۰). شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی مجموع این دیدگاه ها را در کتاب جدید خود، «جهاد در اسلام»، گردآوری و ارزیابی کرده است (همان: ۱۰۸ - ۱۰۹).

فقه شیعه در ماهیت جهاد ابتدایی دیدگاه ویژه ای دارد: اغلب قریب به اتفاق فقیهان شیعه تقسیم بندی جهاد به دو نوع «ابتدایی» و «دفاعی» را همانند اهل سنت

پذیرفته‌اند، اما بر خلاف اهل سنت، «جهاد ابتدایی» و به تعبیر دیگر، «جهاد اصلی» را مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید دانسته‌اند. صالحی نجف‌آبادی، که خود تقسیم دوگانه جهاد به ابتدایی و دفاعی را نمی‌پذیرد و مجموعه ادله جهاد را ذیل جهاد دفاعی می‌داند، درباره دیدگاه عمومی فقیهان شیعه می‌نویسد: عجیب است که هیچ‌یک از فقهای شیعه در اینکه جهاد اصلی مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید است، تردید نکرده‌اند (همان: ۶۷).

نتیجه این دیدگاه، تعطیل جهاد ابتدایی و خصومت نسبت به غیر مسلمانانی است که به رغم تفاوت دین و عقیده، در وضعیت جنگی و تهاجمی نسبت به مسلمانان قرار ندارند. این مطلب در نظر علمای شیعه به قدری مسلّم بوده است که فیض کاشانی در کتاب الشافی می‌گوید: چون در زمان غیبت، جهاد حق تعطیل است، ما از ذکر آداب و شرایط آن خودداری کردیم؛ و لَمَّا كَانَ الْجِهَادُ الْحَقُّ سَاقِطًا فِي زَمَنِ الْغَيْبَةِ طَوَيْنَا ذِكْرَ آدَابِهِ وَ شَرَائِطِهِ (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۶۶، به نقل از: فیض کاشانی، الشافی، جزء ۲: ۷۳).

سیدعلی طباطبایی (۱۲۳۱ق) صاحب ریاض المسالک، توضیح بیشتری دارد؛ وی تأکید می‌کند که جهاد به معنای اول (جهاد ابتدایی) فقط با وجود امام عادل، که معصوم علیه‌السلام یا منصوب او برای جهاد - یا اعم از جهاد و غیرجهاد - باشد، واجب است. اما نایب عام امام در دوره غیبت، نظیر فقیه، چنین حکم و اختیاری ندارد؛ بنابراین، نه بر خود فقیه جایز است و نه بر کسی که او را همراهی می‌کند که در حال غیبت، اقدام به جهاد ابتدایی نماید. به نظر طباطبایی، این اندیشه‌آنگونه که کتاب‌های فقهی المتّهی و الغنیّه نیز تصریح کرده‌اند، مخالفی در مذهب شیعه ندارد، بلکه ظاهر این منابع، اجماع بر حضور معصوم علیه‌السلام است و نصوص و ادله متواتر شیعه نیز آن را تقویت می‌کنند. طباطبایی بر اساس این شرط (وجود معصوم علیه‌السلام)، جهاد در دوره غیبت را جز در شرایط دفاعی خاص، که اساس اسلام و جامعه اسلامی تهدید می‌شود، منع می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۴۴۶ - ۴۴۷).

شیخ محمدحسن نجفی (۱۲۶۶) در کتاب «جهاد» جواهر الکلام، دیدگاه صاحب المسالک را تکرار کرده و تأکید نموده است که ظاهر این اندیشه‌ها «عدم اکتفا به نایب غیبت» (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱: ۱۳)؛ یعنی فقیه حاکم، در امر جهاد است. صاحب

جواهر همچنین روایتی از امام رضا(ع) نقل می‌کند که با تلقی دوره غیبت به مثابه دوره تقیه، هرگونه تردد و قتل نسبت به کفار را در دوره غیبت/تقیه، تحریم کرده است. در تحف العقول از امام رضا(ع) در نوشته‌ای به مأمون آمده است: «و جهاد همراه با امام عادل واجب است، و کسی که در دفاع از مال و رحل و جان خود مبارزه کند و کشته شود، شهید است، و قتل احدی از کفار در دار تقیه حلال نیست، مگر آنکه قاتل یا یاغی [زورگیر] باشد، و این [عدم تعرض] تا زمانی است که بر نفس خویشتن بیم ندارید؛ والجهاد واجب مع امام عادل، و من قاتل فقتل دون ماله و رحله و نسبه فهو شهید، ولا یحل قتل احد من الکفار فی دارالتقیه الا قاتل او باغ و ذلک اذا لم تحذر علی نفسیک (همان: ۱۲).

صاحب جواهر پس از نقل روایت مزبور و نیز اقوال مشهور علمای شیعه در باب منع جهاد ابتدایی در دوره غیبت، امکان مناقشه در باب قول مشهور فقها را با استناد به عموم ادله ولایت فقیه بعید نمی‌داند. اما از آن‌رو که به ظاهر وجود و اتمام «اجماع» در بین علمای شیعه را پذیرفته است، از طرح و تعقیب مناقشه خود دست بر می‌دارد و بی‌آنکه تعرضی به قول مشهور شیعه داشته باشد، به ادامه مباحث خود درباره بقیه مسائل مربوط به جهاد در فقه شیعه می‌پردازد (همان: ۱۳-۱۴).

۴) عملیات انتحاری

در این نوع عملیات، عامل انتحاری خود را منفجر نموده، عده‌ای را شهید می‌نماید و پس از جمع شدن مردم و نیروهای امدادی و انتظامی و امنیتی، نفر دوم با توجه به موقعیت و کثرت جمعیت، خود را منفجر می‌کند.

در عملیات انتحاری در مسجد جامع زاهدان در انفجار اول شاید تعدادی به اندازه انگشتان یک دست توسط عامل اول به شهادت می‌رسند، اما پس از ده دقیقه که عامل دوم خود را منفجر می‌کند تعداد شهدا و مجروحان به ۱۹۶ نفر می‌رسد. لازم به ذکر است که این تاکتیک به صورت سه عامل انتحاری نیز به تازگی در افغانستان مورد استفاده قرار گرفته که می‌تواند نشان‌دهنده زنگ خطری برای نیروهای امنیتی ایران و پاکستان باشد.

تبیین‌های علی از سال ۱۹۸۰ تاکنون، عملیات استشهادی مسلمانان را در زمینه عمومی و هم‌راستا با تروریسم انتحاری^۳ تحلیل می‌کنند. طبق این تحلیل‌ها، هرچند عملیات استشهادی مسلمانان قابل توجه است، اما تروریسم انتحاری نوین، هرگز به بنیادگرایی اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه دایره وسیعی را شامل می‌شود که عملیات استشهادی مسلمانان فقط بخشی از آن است. بدین‌سان، تروریسم انتحاری نوین امری جهانی است و از منطقی جهانی، به عنوان بخشی از سیاست بین‌الملل نوین پیروی می‌کند و البته رفتار مسلمانان را نیز باید در قالب همین منطق راهبرد فراگیر درک نمود. «رابرت پاپ»^۴ در مقاله‌ای با عنوان «منطق راهبردی تروریسم انتحاری» (Robert, August ۲۰۰۳. PP: ۳۴۳-۳۶۱)، کوشش کرده است ضمن اشاره به ادبیات موجود درباره تبیین‌های علی، نظریه‌ای درباره منطق راهبردی حاکم بر عملیات انتحاری رو به رشد در سطح جهانی در دو دهه اخیر ارائه کند. اهمیت نظریه پاپ از دیدگاه نوشته حاضر، از آن‌روست که با تکیه بر داده‌های آماری سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳، نوعی از عقلانیت و انتخاب عقلانی معطوف به هدف در مجموعه عملیات‌های انتحاری را تبیین و گزارش می‌کند (Ibid, P. ۳۴۸ & ۳۵۷-۳۶۱). شاید بتوان تبیین رابرت پاپ را درآمدی بر طرح تبیین دیدگاه‌های مذهبی شیعه در خصوص این پدیده تلقی کرد؛ زیرا دیدگاه‌های شیعی نیز با فرض یک منطق عقلانی یا عدم آن در عملیات استشهادی، ماهیت این نوع عملیات را ذیل عنوان «دفاع مشروع» و در قالب «جهاد دفاعی» ارزیابی می‌کنند و از این حیث که دیدگاه‌های شیعی در باب جهاد، با مجموعه مذاهب فقهی اهل سنت، تفاوت‌های راهبردی دارند، به ناچار اندیشه شیعه درباره عملیات استشهادی نیز از مختصات ویژه‌ای برخوردار است.

به نظر پاپ، موج اول تبیین‌های علی، که در سال‌های هشتاد و نود در غرب رواج یافت، عملیات انتحاری را عمدتاً در قالب انگیزه‌های روانی افراد انتحارکننده تحلیل می‌کرد. از جمله ویژگی‌های مثبت این تحلیل‌ها، توجه به پراکندگی عملیات انتحاری در جهان در بین مسلمانان و غیر مسلمانان از یک سو، و نیز وجود جهت‌گیری‌های سکولار در عملیات انتحاری در جوامع اسلامی از سوی دیگر

^۳ - (Suicide Terrorism)

^۴ - (Robert. A. Pape)

است؛ بنابراین، تحلیل‌های موج اول بی‌توجه به انگیزه‌های مذهبی، به این دلیل که عملیات انتحاری فراتر از مذهب است، بر عوامل روانی - درونی افراد انتحارکننده به مثابه پایه تحلیل تمرکز یافتند و همین تحلیل را به رهبران هدایت‌کننده سازمان‌های تروریستی تعمیم دادند. طبق این برداشت از پدیده «عملیات انتحاری»، مفاهیمی مانند غیر معقول بودن^۵ و جزم‌گرایی اعتقادی افراد^۶ از علل اقدامات انتحاری تلقی می‌شوند و قهراً نمی‌توان منطقی عقلانی برای عملیات انتحاری تصور نمود (همان).

اما موج دوم تبیین‌ها عملیات انتحاری را اقدامی می‌دانند که برای دستیابی به اهداف سیاسی خاص طراحی می‌شود؛ بنابراین، از «عقلانیتی به ظاهر غیر عقلانی» حکایت می‌کند. پاپ، که خود را از مجموعه موج دوم معرفی می‌کند، برای آزمون فرضیه‌اش درباره «منطق راهبردی عملیات انتحاری»، این نوع عملیات‌های انجام‌شده در سطح جهان را در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ از همین زاویه بررسی می‌کند. وی پنج ویژگی مشترک در همه این رفتارها ملاحظه می‌کند.

ویژگی‌های پنج‌گانه عملیات انتحاری

به نظر پاپ، عملیات‌های انتحاری نوین، اغلب در پنج مورد مهم، وجه مشترک دارند. وی این موارد را با عنوان «وجوه پنج‌گانه» تنظیم کرده است (همان: ۳۴۴):

الف) عملیات انتحاری اقدامی «راهبردی» است. بیشتر مهاجمان انتحاری افرادی جزم‌گرا و از لحاظ روانی، گوشه‌نشین و پرخاشگر نیستند، بلکه بیشتر به گروه‌های سازمان‌یافته‌ای تعلق دارند که در جستجوی هدف سیاسی ویژه‌ای هستند. این گروه‌ها عملیات انتحاری را در جهت همین اهداف مشخص برپا می‌کنند و آن‌گاه که تمام یا بخشی از این هدف‌ها تحقق پیدا کردند، مهاجمان انتحاری نیز متوقف می‌شوند.

ب) منطق راهبردی عملیات انتحاری، ناظر به «اهداف سرزمینی» است، به ویژه چنان طراحی می‌شود که دموکراسی‌های نوین را وادار به اعطای نوعی خودمختاری یا امتیازات و خواست‌های ملی کند.

^۵ - (irrationality)

^۶ - (Religious Fanaticism)

ج) طی بیست سال گذشته، تروریست‌های انتحاری چنین اندیشیده‌اند که این نوع عملیات تنها راه ممکن و مؤثر است. بدین‌سان، تأثیر عملیات انتحاری در تحصیل مقاصد سیاسی، آنان را به تعقیب عملیات‌های بلندپروازانه تشویق کرده است.

د) هرچند تعدیل عملیات تروریستی باعث تعدیل در امتیازات داده شده بوده است، اما به طور کلی، تنبیه غیر نظامیان به سطوح پایین تا متوسط تهدیدهای تروریستی تعلق دارد. تروریسم انتحاری از اهداف غیر نظامی/مدنی برای تهدید دیوار امنیتی و افزایش هزینه امنیتی دولت‌های نوین استفاده می‌کند.

ه) در نهایت، مهم‌ترین راه امیدبخش برای مقابله با عملیات انتحاری، کاهش اطمینان تروریست‌ها برای انجام این حملات در جوامع هدف است؛ نه اقدام نظامی به تنهایی قادر به کنترل عملیات انتحاری است و نه اعطای امتیاز، بلکه مهار این نوع عملیات نیازمند تدابیر دفاع مرزی و ابزارهای امنیتی درون سرزمین خاص است.

۵) وجه تمایز عملیات استشهادی و انتحاری از منظر دین

شاید در نگاه اول و بدون تأمل و بررسی، عملیات شهادت‌طلبانه و عملیات انتحاری به یک شکل نمایان شوند، اما در بین این دو، تفاوت بسیاری وجود دارد. انتحار در لغت به معنای خودکشی است و در اصطلاح شرعی عبارت است از اینکه کسی برای حرص دنیوی و طلب مال و یا در حالت غضب منجر به قصد خودکشی خود را بکشد.^۷ به طور کلی اگر انسان برای یک امر دنیوی و با قصد خودکشی بدون اینکه توجیه شرعی یا عقلی داشته باشد خود را از میان ببرد، در واقع دست به انتحار زده و خودکشی کرده است.

نبی اکرم(ص) در چند مورد به ظاهر دستور کشتن افرادی را صادر کرده است. برای نمونه جابر بن عبدالله می‌گوید: «پیامبر(ص) فرمود: چه کسی به سراغ کعب بن اشرف می‌رود؟ او خدا و پیامبرش را آزرده است. محمد بن مسلم عرض کرد: یا رسول الله دوست داری او را بکشم؟ حضرت(ص) فرمود: بله. محمد بن مسلم به نزد کعب رفت و گفت: این مرد (پیامبر) از ما درخواست زکات

^۷ - ادله مشروعیت عملیات استشهادی از منظر فقهای امامیه، دکتر امیر ملامحمدعلی استادیار مجتبع آموزشی شهید محلاتی

می‌کند و ما را به زحمت می‌اندازد، خدا او را محزون کند. ما الان از او پیروی می‌کنیم و دوست نداریم او را رها کنیم تا اینکه ببینیم وضع او چه می‌شود. او همین‌طور صحبت می‌کرد تا اینکه بر کعب غالب شد» (دعوش عاملی، ۱۳۷۹: ۲۸۰).

هر کس با سیره رسول خدا(ص) و تعالیم اسلام، اندک آشنایی داشته باشد، بر این مطلب اذعان دارد که روش پیامبر اکرم(ص) در تبلیغ و دعوت مردم به اسلام، بر اساس هدایت فکری و تقویت نیروی تفکر و اندیشه در مردم، همراه با رأفت و رحمت استوار بود. قرآن کریم می‌فرماید:

با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگارت دعوت نما، و با آنها به طریقی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت بهتر از هر کس می‌داند چه کسانی از راه او منحرف شده‌اند و چه کسانی هدایت یافته‌اند و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است (نحل/۱۲۶ - ۱۲۵).

این آیه به صراحت پیامبر اکرم(ص) را از به کارگیری زور و خشونت در تبلیغ نهی می‌کند و تنها در مواردی که دشمنان اسلام از حربه خشونت علیه آن حضرت استفاده کنند، ایشان را مجاز به استفاده از خشونت و مجازات آنها کرده است. هر چند در این صورت نیز در حد ممکن پیامبر(ص) را به صبر و تحمل فرا می‌خواند. در آیه دیگری از قرآن می‌خوانیم:

هرگز نیکی و بدی یکسان نیستند، بدی را با نیکی دفع کن، تا دشمنان سرسخت همانند دوستان صمیمی شوند (فصلت/۳۴).

از امام حسن عسکری(ع) در تفسیر آیه «قولوا للناس حسنا» (بقره/۸۳) (با مردم به نیکی سخن بگویید) روایت شده که فرمود:

با همه مردم خواه مؤمن و خواه مخالف به نیکی سخن گوئید. با مؤمنان گشاده رو باشید و با مخالفان با مدارا سخن گوئید تا آنان را به ایمان جذب کنید (طبرسی، ج ۱: ۱۴۰۷؛ و ج ۱۲: ۲۶۱).

مستندات یادشده که در اسلام نمونه آن بسیار است، نه تنها پیامبر اکرم(ص) را از به کارگیری خشونت در تبلیغ بر حذر می‌دارد، بلکه به آن حضرت توصیه می‌کند که در حد ممکن خشونت دشمنان اسلام را تحمل کند و جز در موارد اضطراری، به دفاع و مقابله به مثل دست نزند. روش تبلیغ پیامبر اکرم(ص) در سراسر دوران رسالت بر همین شیوه استوار بود و هرگز رسول گرامی اسلام(ص) حتی برای

لحظه‌ای از آن خارج نشد. تنها تفاوتی که میان روش پیامبر(ص) در مکه با روش آن حضرت در مدینه حاصل شد، این بود که در مکه برای آن حضرت در مقابل آزار و اذیت‌های بی‌حد و حصر قریش، امکان دفاع وجود نداشت، ولی در مدینه به تدریج این امکان برای آن حضرت حاصل شد، اما این مطلب هرگز سبب نشد که شیوه تبلیغی آن حضرت دگرگون شود، بلکه همانگونه که پیامبر(ص) در مکه بر اساس هدایت فکری و تقویت نیروی تفکر و اندیشه همراه با رأفت و مدارا، مردم را به اسلام دعوت می‌کرد، در مدینه نیز با همین روش به دعوت و تبلیغ خود ادامه می‌داد، با این تفاوت که در موارد اضطراری، موانع تبلیغ را با قدرت و نیروی نظامی از میان برمی‌داشت.

برخی تلاش کرده‌اند که روش پیامبر(ص) را در مکه و مدینه به دو شیوه مختلف و متفاوت جلوه دهند و چنین گفته‌اند:

«یک مسلمان مصلح، انسان‌دوست و طرفدار مدارا، تنها هنگامی می‌تواند از عدم خشونت در رابطه با صاحبان ادیان و عقاید غیر اسلامی سخن بگوید که حداکثر از مراحل اولیه رسالت محمد(ص) در مکه و صرف دعوت او به خداپرستی و فضایل اخلاقی فراتر نرود، و آن قسمت از قرآن را که در مدینه نازل شده، و به طور کلی به نحوه حاکمیت و اداره جامعه اسلامی ارتباط پیدا می‌کند، یکسره نادیده بگیرد و از ایجاد جامعه مدنی اسلامی چشم‌پوشد» (مؤمنی، نخستین ترورهای سیاسی و کشتارهای جمعی در جامعه مدنی، NEWS.gooya.com).

عملیات استشهادی روش جدیدی برای مقاومت و رویارویی با دشمنان است که با وسایل و ابزار جدید کشنده که در گذشته معمول نبوده انجام می‌شود و مجری آن یقین یا ظن غالب دارد که خود نیز در جریان عملیات به شهادت می‌رسد.^۸

نظر دو تن از علما پیرامون عملیات انتحاری و تفاوت آن با عملیات استشهادی آیت الله مؤمن می‌فرماید: انتحار خودکشی بی‌جهت شرعی یعنی بدون دلیل و مجوز شرعی است و عملیات استشهادی ملاک جهاد را دارد.^۹

آیت الله نمازی نیز در پاسخ به استفتایی می‌فرماید: انتحار به معنای عرفی و رایج آن خودکشی است و دارای بار ارزشی نیست و عملیات استشهادی عبارت از قیام برای مقابله با انهدام مراکز و نیروهای دشمن

^۸- ورعی، سیدجواد، مبانی فقهی عملیات شهادت‌طلبانه، نشریه حکومت اسلامی، سال هشتم.

^۹- آیت الله مؤمن محمد، جوابیه استفتا

متجاوز علیه اسلام و مسلمین است که یک حرکت ارزشی و مقابله با ظالم و متجاوز است.^{۱۰}

در مجموع اکثر مراجع احکامی شبیه به دو نمونه بالا را در مورد عملیات استشهادی دارند و همگی نظرشان پیرامون هدف دار بودن این نوع عملیات دور می زند؛ یعنی در عملیات استشهادی، هدف دفع تجاوز دشمن اشغالگر است. به این ترتیب با نگاهی به عملیات های گروه های سلفی و افراطی (مانند جندالله) در می یابیم که در اکثر عملیات هایی که در کشورهایمانند ایران، پاکستان، افغانستان و عراق انجام می شود به کشته شدن مردم عادی و مسلمانان منجر می شود نه به کشته شدن متجاوزان و اشغالگران. به طور مثال در دو عملیات انتحاری گروه جندالله علیه مردم غیور سیستان و بلوچستان در مسجد علی ابن ابیطالب (ع) و مسجد جامع زاهدان جمعاً ۵۲ نفر شهید و ۲۸۹ نفر از هموطنان نمازگزار زخمی شدند. به عبارت دیگر در این دو عملیات، نه سرزمینی اشغال شد و نه متجاوز و کافری در میان صفوف نمازگزاران وجود داشت. نتیجه اینکه این عملیات ها اصولاً نمی تواند مصداق عملیات استشهادی باشد، بلکه این افراد تحت القائات فردی با انگیزه های دنیوی مبادرت به این عملیات انتحاری می نمایند. در مجموع از نظر اکثر فقها انتحار مسأله ای است شخصی و فاقد ارزش و ملاک دفاع است. و ادله حرمت قتل نفس شامل آن می شود، اما عملیات استشهادی دارای ملاک دفاع بوده و یک عمل جهادی و مقدس است و ادله حرمت قتل نفس منصرف از آن است.

۶) نتیجه گیری

ترور اقدامی ترس آفرین، وحشت آمیز، غیرقانونی، پنهانی، غافلگیرانه، رعب انگیز و... است که با کشتن افراد مخالف (مخالفان سیاسی) و تخریب اماکن متعلق به آنها از طریق روش های زورمدارانه، با وسایل و ابزار خشن صورت می گیرد. در حالی که روایات اسلامی ترور را به عنوان نشانه ای از علائم ظهور امام زمان (ع) مخالف ایمان و اسلام و... ذکر کرده و آن را باطل می داند. البته قرآن در قصاص، افساد در روی زمین و محاربه با خدا و رسول خدا، دستور کشتن داده است، ولی در هیچ یک از موارد، بر خلاف ترور، قتل به صورت پنهانی، بدون اذن امام معصوم

^{۱۰} - آیت الله نمازی عبدالنبی، جوابیه استفتا

علیه السلام یا نایب آنان، یا رهبری و حاکم اسلامی صورت نمی گیرد. نیز بر خلاف ترور، این اقدام به بازگشت آرامش به جامعه و بازگرداندن امنیت عمومی منجر می شود.

پیامبر(ص) در مواردی، دستور کشتن افرادی را صادر کرده اند. افرادی که به هجو مسلمانان پرداخته اند، به دشمنان مسلمانان مدد رسانده اند، به سلب امنیت عمومی دست زده اند، به ناموس مسلمانان تعدی کرده اند، به پیمان صلح با پیامبر(ص) پایبند نمانده اند و...؛ بنابراین، فرمان پیامبر(ص) برای کشتن آنها، ترور نبوده است؛ زیرا ترور مخفیانه صورت می گیرد، وحشت می آفریند و ترورشونده بدون محاکمه کشته می شود، اما پیامبر(ص) در مقام حاکم اسلامی که شأن قضاوت را نیز دارند، آشکارا دستور کشتن این افراد را صادر کرده اند و این اقدام ها، آرامش را برای جامعه اسلامی به ارمغان می آورد. از این رو، در سیره نبوی نشانی از ترور وجود ندارد، بلکه در برخی از احادیث به جای مانده از پیامبر(ص) ترور نهی شده است.

در سیره امامان معصوم علیهم السلام هم نمونه هایی از کشتن افراد دیده می شود که حيله گر، بدعت آور، فریکار، غارتگر، جعل کننده احادیث، غلو کننده امام معصوم علیه السلام، بهتان زننده به شیعیان، تباه کننده عقاید مسلمانان، هرزه، منحرف، شرور، جرثومه فساد و تباهی، گمراه کننده مردم و... بوده اند. اقدام های امامان معصوم علیهم السلام هم معنا و مفهوم ترور را ندارد. به آن دلیل که فرد کشته شده از سوی امام معصوم علیه السلام که شانیت قضا و افتاء را دارد، مجرم شناخته شده و مردم از انحراف، زنان مسلمان از تجاوز، مسلمین از بهتان و عقاید مردم از بدعت، نجات یافتند. در حالی که ترور به انحراف فکری، سلب آسایش عمومی، برقراری خشونت و نفی امنیت می انجامد.

نتیجه اینکه اسلام با کشتن پنهانی افراد که مشخصه اصلی ترور می باشد، مخالف است؛ بنابراین، دینی که اساس و پایه آن، بر رحمت، مهربانی، پرهیز از سنگدلی، بخشایش و گذشت و عفو، هم در سخن و هم در عمل است و به آن توصیه می کند، هرگز به قتل پنهانی و بدون محاکمه و حکم قضایی، فرمان نمی دهد. در واقع اسلام با کشتن انسان ها به غیر حق، سر ناسازگاری دارد. البته موارد حق هم معدودند، مانند: کشتن محارب. نمونه های اندکی در تاریخ اسلام دیده می شود که پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم علیهم السلام دستور به قتل داده اند، این قتل ها با

هیچ یک از معیارهای ترور تناسب ندارد. به علاوه، ترور یک عمل غیر قانونی است.

سخن را با بیانی از مقام معظم رهبری به پایان می‌بریم:

آن روزی که پیامبر(ص) دستور داد که آن افراد را ترور کنند، در گوش کسی نگفت، علناً گفت که هر کس هند را پیدا کرد، او را بکشد. هر کس فلان بن فلان را پیدا کرد، او را بکشد. امام قدس سره گفت: هر کس سلمان رشدی را پیدا کرد، او را بکشد. امروز هم رهبری اگر بر طبق احکام اسلام یک جا تکلیفش اقتضا کند، علنی خواهد گفت؛ مخفیانه و درگوشی نیست (حرف دل، مجموعه بیانات رهبری، ۱۳۷۹: ۳۷).

کتابنامه

- (۱) قرآن کریم
- (۲) الیوت، جفری ام و رابرت رجینالد، فرهنگ اصطلاحات سیاسی استراتژیک، ترجمه میرحسن رئیس‌زاده لنگرودی، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۴.
- (۳) آشوری داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: سهروردی و مروارید، ۱۳۶۶.
- (۴) بی فاستر مایکل، خداوندان اندیشه سیاسی، جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: امیرکبیر، ج ۱، ۱۳۸۵.
- (۵) توماس‌هابز، لویاتان، حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
- (۶) جمعی از نویسندگان، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- (۷) حرف دل، مجموعه بیانات رهبری در ۱۳۷۹، تهران: قرب، ۱۳۷۹.
- (۸) دعموش عاملی علی، دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه غلامحسین باقر مهباری و رضا گرماب دری، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۹.
- (۹) شافعی امام محمد، کتاب الام، بیروت: دارالمعرفه، ج ۴، ۱۹۹۴.
- (۱۰) صالحی نجف‌آبادی نعمت الله، جهاد در اسلام، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- (۱۱) طباطبایی سیدعلی، ریاض المسالك، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، ج ۷، ۱۴۱۵.
- (۱۲) علی بابایی غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۷.
- (۱۳) علی‌زاده حسین، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران: روزنه، ۱۳۷۷.
- (۱۴) عمیدزنجانی عباسعلی، فقه سیاسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- (۱۵) ماکیاولی نیکولو، شهریار، داریوش آشوری، تهران: کتاب پرواز، ۱۳۶۶.
- (۱۶) مؤمنی باقر، نخستین ترورهای سیاسی و کشتارهای جمعی در جامعه مدنی،
- (۱۷) مورگنتهاوس جی، سیاست‌ها میان ملت‌ها، حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹.
- (۱۸) نجفی محمدحسن (بیتا)، جواهر الکلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، چ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲۱.
- (۱۹) ورعی، سیدجواد، مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه نشریه حکومت اسلامی سال هشتم.
- Robert. A. Pape (August-۲۰۰۳), "The Strategic Logic of Suicide Terrorism" in American Political Science Review, vol. ۹۷, no.۳.